

## مهم ترین سوالات فلسفه دوازدهم / چاپ ۹۹ / تنظیم: سیده محبوبه نبوی

### درس اول: مسائل پیرامون واقعیت و هستی

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

**\*\* درس در یک نگاه \*\***

مفاهیم	توضیحات
موضوع دانش فلسفه	موضوع دانش فلسفه «وجود» است و فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می کند
معرفت شناسی	درباره حقیقت علم صحبت می کند و خود بخشی از وجود شناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم نیز خود قسمی از اقسام وجود است.
مباحث اصلی پیرامون وجود	رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان
دوجنبه یک چیز	موجود بودن و چیستی داشتن
وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات	وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.
معنی «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیز	وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دوجزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آنگونه که اکسیژن و هیدروژن دوجزء تشکیل دهنده آب هستند. از نگاه فلسفی آب یک موجود واحد و غیرمرکب ولی با دوجنبه مختلف است و انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیست (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را به دست می آورد در خارج، دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. آب و وجود دو مفهوم متفاوت از یک موجود واحد است.
حمل حیوان ناطق بر انسان حمل ذاتی یا غیر ذاتی؟	در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حیوان ناطق، در تعریف انسان آمده و در حقیقت حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان است و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می باشد یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست. این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. بنابراین، حمل حیوان ناطق بر انسان، چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.
تفاوت دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» در دیدگاه ابن سینا	حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد. اما در گزاره دوم مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. پس، حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است
مشکل عینیت مفهوم وجود و ماهیت	در این صورت اثبات وجود هیچ ماهیتی نیاز به دلیل نداشت و به محض تصور یک ماهیت، باید وجود هم پیدا می کرد در حالی که اینطور نیست.
پایه برهان «وجود و امکان» ابن سینا	بحث مغایرت وجود و ماهیت
پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا	توماس آکوئیناس
تأثیر دیدگاه ابن سینا بر فیلسوفان غرب	توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. وی همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد. او فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاههای ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند

۱. موضوع دانش فلسفه چیست و کدام مسائل را بررسی می کند؟ اصل دانش فلسفه را چه می گویند؟ موضوع دانش فلسفه «وجود» است و فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» نیز می گویند.

۲. معرفت شناسی بخشی از کدام دانش است؟ چرا؟ فلسفه/ «معرفت شناسی» که درباره حقیقت علم صحبت می کند خود بخشی از وجود شناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم نیز خود قسمی از اقسام وجود است.
۳. مباحث اصلی پیرامون وجود کدامند؟ رابطه هستی و چیستی، جهان ممکنات و مفاهیم امکان و ضرورت و امتناع، علت و معلول و رابطه علیت در جهان.
۴. چرا یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) و تعیین نسبت میان آن دو است؟ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.
۵. وقتی گر سنه می شویم به سراغ غذا می رویم، این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را به خاطر می آورد؟ بیانگر آن است که می دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که بر حسب نیاز از آنها استفاده می کنیم و نیازمان را برطرف می سازیم؛ یعنی قبول داریم که مثلاً غذا واقعا هست و می توان با دست خود آنها را برداشت و از آنها استفاده نمود. / اصل قبول واقعیت
۶. رفتار طبیعی و معمولی که از همه انسان ها سر می زند، دربردارنده چه پیام های فلسفی است؟ ما از این رفتار طبیعی می فهمیم که: ۱- اصل پذیرش واقعیت یک اصل بدیهی و روشن است. ۲- همگان این اصل را قبول دارند؛ زیرا همه مردم در این مورد رفتار مشابهی دارند. ۳- همه مردم این پذیرش را مبنای عمل خود قرار می دهند و از اشیای پیرامون خود استفاده می کنند.
۷. انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، چند جنبه می یابد؟ با مثال توضیح دهید. دو جنبه: موجود بودن و چیستی داشتن. مثلاً کودکی با دیدن حیوان تنومندی از پدر می پرسد: «این چیست؟» پدر می گوید: «این حیوان، فیل نام دارد و در جنگل های هند و آفریقا زندگی می کند...». کودک با دیدن حیوان بعدی، همان سؤال قبلی را تکرار می کند و پدر هم توضیحاتی، البته متفاوت با توضیحات قبلی، می دهد. در مواجهه با سایر حیوانات نیز همین پرسش و پاسخ تکرار می شود. کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است و می داند که آنها موجودند اما از ماهیت و چیستی آنها آگاه نیست. او می خواهد این حیوانات را، بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد.
۸. وقتی کودکی در مواجهه با حیوانات نا آشنا، از کلمه «این» یا «آن» چیست استفاده می کند، نشان دهنده چیست؟ چه نتیجه ای می گیریم؟ نشان می دهد که او به «وجود» حیوانات پی برده است و می داند که آنها موجودند اما از ماهیت و چیستی آنها آگاه نیست. او می خواهد این حیوانات را، بشناسد و از چیستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد. پس می توانیم بگوییم:
- ۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد: موجود بودن و چیستی داشتن.
- ۲- وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.
۹. وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.
۱۰. نام دو تن از فیلسوفان مسلمان، که توجه ویژه ای به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» کردند را نام ببرید. فارابی و ابن سینا
۱۱. ابن سینا در زمینه تمایز (مغایرت) میان «وجود» و «ماهیت»، راه کدام فیلسوف را ادامه می دهد و چه نظری دارد؟ (وقتی می گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به چه معناست)؟ فارابی/ به نظرا، وقتی می گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند از نگاه علم شیمی، آب، ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می آوریم. اما از نگاه فلسفی آب یک موجود واحد و غیر مرکب ولی با دو جنبه مختلف است و انسان با نظر به این دو جنبه، دو مفهوم چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را به دست می آورد و در خارج، دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم. «آب» و «وجود» دو مفهوم متفاوت از یک موجود واحد است.
۱۲. آیا دو جنبه یک چیز (هستی و چیستی) همانند اجزای تشکیل دهنده آب (اکسیژن و هیدروژن)، باهم ترکیب شده اند؟ توضیح دهید (همان پاسخ قبلی)
۱۳. در اطراف ما اشیای فراوانی هستند که هم چیستی آنها را می شناسیم و هم از هستی شان خبر داریم. مثال بزنید. آب، حیوانات
۱۴. برخی امور هستند که از هستی شان خبر داریم اما چیستی آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست. مثال بزنید. جاذبه، روح، انرژی و نور
۱۵. چیستیهای فراوانی را می توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می دانیم این امور، حداقل تاکنون وجود ندارند. مثال بزنید پری دریایی
۱۶. در عبارت «انسان حیوان ناطق است» چه ارتباطی بین «انسان» و «حیوان ناطق» وجود دارد؟ آیا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز دارد؟ (توضیح حمل ذاتی با مثال). در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حیوان ناطق که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده و در حقیقت حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان است و همان چیستی اوست و گویای ذات و حقیقت انسان می باشد یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست. این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای حیوان ناطق به کار می رود تفاوت انسان و حیوان ناطق صرفاً در اجمال و گستردگی شان است یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و انسان همان اجمال حیوان ناطق می باشد. بنابراین، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد.
۱۷. چرا حمل «حیوان ناطق» بر انسان به دلیل نیاز ندارد؟ چون حیوان ناطق همان حقیقت و ذات انسان است

۱۸. از نظر ابن سینا دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» چه تفاوتی باهم دارند؟ حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است. در عبارت اول «حیوان ناطق» در تعریف انسان آمده و در حقیقت حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان است و گویای ذات و حقیقت انسان می باشد یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان ناطق نیست این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند پس حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟ اما در عبارت دوم مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. پس، حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است
۱۹. دو مثال برای حمل ذاتی ذکر کنید. حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» (انسان حیوان ناطق است) / حمل «شکل سه ضلعی» بر مثلث (مثلث شکل سه ضلعی است)
۲۰. در عبارت «انسان موجود است» آیا مفهوم «وجود» جزء تعریف «انسان» قرار می گیرد؟ توضیح دهید خیر. مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.
۲۱. حمل وجود بر چیستی و ماهیت نیازمند چیست؟ نیازمند دلیل است.
۲۲. چرا حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است؟ چون میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل «وجود» بر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقلی محض.
۲۳. اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله ای پیش می آمد؟ بله. در این صورت اثبات وجود هیچ ماهیتی نیاز به دلیل نداشت و به محض تصور یک ماهیت، باید وجود هم پیدا می کرد در حالی که اینطور نیست.
۲۴. آیا سه گزاره طرح شده در سوالات ۱۳، ۱۴ و ۱۵، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟ کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟ همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد. گزاره ۱۴ و ۱۵ با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می رسانند، زیرا در گزاره ۱۴ این نکته آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره ۱۵ نیز گفته شده که ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند. در گزاره ۱۳ سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می آوریم .
۲۵. به چه علت بحث ماهیت و وجود مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؟ به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.»
۲۶. کدام بحث پایه برهان «وجوب و امکان» ابن سینا قرار گرفت؟ کاربرد این برهان در کجاست؟ مغایرت وجود و ماهیت / در اثبات وجود خدا
۲۷. پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا چه کسی است؟ توماس آکوئیناس
۲۸. دیدگاههای ابن سینا چه تاثیری بر فیلسوفان غرب گذاشت؟ توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خدا شناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد. او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاههای ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی بارشده تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند و فرصت رشد و گسترش را پیدا نکردند.
۲۹. دیدگاه های کدام یک از فیلسوفان مسلمان در آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطویی، نقش داشته است؟ ابن سینا و ابن رشد
۳۰. یکی از فیلسوفان اروپایی قرن ۱۳ که تحت تاثیر ابن سینا بوده است را نام ببرید. توماس آکوئیناس
۳۱. در قرن ۱۳ میلادی توماس آکوئیناس چه فلسفه ای را پایه گذاری کرد و چه نتیجه ای دربر داشت؟ فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.
۳۲. از قرن ۱۶ میلادی، فلسفه متکی به دیدگاه های ابن سینا در اروپا، جای خود را به کدام فلسفه داد؟ از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند و فرصت رشد و گسترش را پیدا نکردند.
۳۳. دیدگاه ابن سینا در بحث وجود و ماهیت چه تاثیری بر فلاسفه مسلمان داشت؟ این نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا امروز هم ادامه یافته است .
۳۴. نام دو فیلسوف که بحث مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار دادند را ذکر کنید. ابن سینا / توماس آکوئیناس

۳۵. قضیه انسان موجود است را با کدامیک از قضایای روبه‌رو می‌توان مقایسه کرد؟ انسان بشر است/انسان حیوان است/انسان مخلوق است. قضیه انسان موجود است، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است. زیرا هم مخلوق و هم موجود، از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان نیازمند دلیل است. اما بشر و حیوان ذاتی انسان است و دلیل نمی‌خواهد.

۳۶. شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک سگ است، ولی محمد گفت: آن یک گرگ است. وقتی نزدیک شدند دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته سنگ است! به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چپستی و هستی گرفت؟ از سان میان وجود و ماهیت تمایز قائل می‌شود، یعنی با اینکه می‌داند موجودی هست ولی نمی‌داند که آن موجود، چیست؟ و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد و با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود شک و تردید دارد که چه ماهیتی است، اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی‌کند.

۳۷. در گزاره‌های زیر حمل کدام یک از محمول‌ها به موضوع‌ها نیازمند دلیل است و چرا؟

گزاره	توضیحات
انسان حیوان است	* ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد
انسان شیر است	ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج شیر و انسان یکی هستند
انسان عجول است	ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست
انسان ناطق است	* ذاتی است و دلیل نمی‌خواهد
انسان موجود است	ذاتی نیست و دلیل می‌خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست

۳۸. آیا در قضیه مثلث سه ضلعی است، حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟ سه ضلعی ذاتی مثلث است و لذا حمل آن بر مثلث نیازمند به دلیل نیست.

## سوالات جای خالی

- موضوع دانش فلسفه «.....» است و فلسفه، مسائل پیرامون «.....» را بررسی می‌کند.
- اصل دانش «.....» را «وجودشناسی» نیز می‌گویند.
- «معرفت شناسی» که درباره حقیقت علم صحبت می‌کند، خود بخشی از «.....» به معنای عام آن است.
- تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چپستی (وجود و ماهیت) است؛ یکی از مباحث اولیه «.....» است.
- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: جنبه «.....» بودن و «.....» داشتن.
- وجه مشترک موجودات، «.....» است و «.....»، وجه اختصاصی آنهاست.
- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «.....» و «.....» توجه ویژه‌ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.
- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه‌ای کرد و در «.....» میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.
- وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در «.....» و از جهت «.....» است.
- حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل «.....» است.
- در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جدا «.....» و جزء تعریف آن قرار «.....».
- حمل «وجود» بر «.....» نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق «.....» محض.
- پایه گذار مکتب فلسفی تومیس در اروپا «.....» است.
- دیدگاه‌های فیلسوفان مسلمانی چون «.....» و «.....» در آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطویی، نقش داشته است.
- مفهوم وجود و ماهیت در ذهن با هم «.....» هستند ولی در عالم خارج «.....» هستند.
- بحث مغایرت وجود و ماهیت پایه برهان «.....» ابن سینا قرار گرفت.
- دو تن از فیلسوفان مسلمان، که توجه ویژه‌ای به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» کردند «.....» و «.....» هستند.

## سوالات صحیح و غلط

- توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در بحث وجود و ماهیت بدین معنا است که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته‌اند. ص  غ
- ابن سینا بیان کرد که «هستی» و «چپستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند. ص  غ
- به نظر ابن سینا وقتی می‌گوییم «انسان موجود است»، «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه. ص  غ
- حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد. ص  غ
- میان «انسان» به عنوان یک «چپستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست. ص  غ
- از قرن ۱۶ میلادی، فلسفه متکی به دیدگاه‌های ابن سینا در اروپا، جای خود را به فلسفه عقل‌گرا داد. ص  غ
- دیدگاه ابن سینا در بحث وجود و ماهیت مورد توجه فلاسفه مسلمان قرار گرفت و زمینه گفت‌وگوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد. ص  غ
- اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، مشکل و مسئله‌ای پیش نمی‌آمد. ص  غ